



بررسی بازتاب منہیات نهج البلاغه در حدیقه سنایی با رویکرد بینامتنیت

خدابخش اسداللهی^۱، بهنام فتحی^۲، رامین محرمی^۳، مهرداد آقایی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳

(از ص ۱ تا ۲۱)

چکیده

طبق نظر نظریه پردازان بینامتنیت از جمله کریستوا، هر متنی در ارتباط با متون پیشین، معنی می‌یابد. متن ممکن است صورت گسترش یافته یا شکل هنری متون قبلی باشد. حدیقه سنایی به عنوان متن تعلیمی و عرفانی، از متون اسلامی فارسی و عربی بهره‌ها برده است. نهج البلاغه، یکی از متون اسلامی است که سنایی در پدید آوردن حدیقه الحقیقه، به صورت گسترده و فراتر از حد تأثیرپذیری، بدان نظر داشته است؛ به گونه‌ای که برای درک بسیاری از نکته‌های حدیقه، باید به سخنان مولا علی (ع) به ویژه نهج البلاغه مراجعه کرد. موضوع ردایل و محرّمات، به دلیل بازتاب نسبتاً گسترده آن، در کلام علی (ع) و نیز حکیم سنایی، مبحث اصلی تحقیق حاضر است که براساس رابطه بینامتنی و با تأکید بر نهج البلاغه و حدیقه الحقیقه بررسی می‌شود. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد سنایی در مثنوی تعلیمی عرفانی حدیقه الحقیقه، هم از امکانات شعری و هم از واژگان، مضامین و اشارات ارزنده سخنان علی (ع) به صورت‌های سه‌گانه بینامتنی (نفی بخشی، نفی متقارن و نفی کامل) استفاده کرده است. بی‌تردید، این تعامل آگاهانه حدیقه با کلام علی (ع)، موجب ماندگاری و پویایی اثر سنایی شده است.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، منہیات، حدیقه الحقیقه، بینامتنیت.

۱. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

۴. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

متن‌ها معمولاً از طریق گفت‌وگو با متون دیگر به وجود می‌آیند و در ارتباط با آن‌ها معنی پیدا می‌کنند؛ از این رو، گسترش، کمال و پاسخ‌گویی به بسیاری از پرسش‌ها در زمینه‌های گوناگون، از جمله انگیزه‌های بینامتنیت و گفت‌وگوی متن‌هاست. شاعران کلاسیک فارسی زبان برای تکمیل و یا عرضه‌اندیشه‌های جدید، معمولاً بسیاری از متون متعالی نظیر قرآن کریم، نهج‌البلاغه و متون نظم و نثر عربی و فارسی را مطالعه می‌کردند تا بتوانند اندیشه و محتوای ارزشمند خود را به صورتی استوار و فاخر ارائه دهند؛ به‌گونه‌ای که هم مباحث پیشینیان را در بر بگیرد و گفته‌های تازه‌ای برای معاصران و آیندگان خود به جا بگذارند. سنایی شاعر بزرگ قرن پنجم و ششم هجری قمری نیز از این تعامل‌ها با قرآن و نهج‌البلاغه و آثار معروف عربی و فارسی قبل از خود، بر کنار نبود؛ همین خوشه‌چینی از خرمن معرفت مولا علی (ع) خصوصاً نهج‌البلاغه، وی را به الگو و اندیشمندی بزرگ برای عارفانی نظیر عطار نیشابوری و مولوی تبدیل کرد؛ به‌گونه‌ای که اندوخته‌های سنایی به‌ویژه در حدیقه‌الحقیقه، منشأ و سرچشمه مباحث قرآنی، عرفانی و اخلاقی بسیاری از بزرگان علم و ادب و اندیشه واقع شد.

۱-۱. بیان مسئله

اغلب شاعران عارف زبان فارسی مقام و اهمیت خود را به‌واسطه توجه عمیق و تأثیرپذیری از قرآن کریم و احادیث و نهج‌البلاغه کسب کرده و در واقع کلام خدا و سخنان نبی اکرم (ص) و امام علی (ع) و دیگر معصومان را در شیوه‌های بیان خود جاری کرده‌اند. سنایی از عارفان بزرگ قرن ششم ه.ق. در سرودن اشعار خود، قرآن و حدیث را منابع اصلی خود قرار داد و به مریدان و مخاطبان خود توصیه می‌کرد تا روز قیامت بر دو یادگار پیامبر اکرم (ص) چنگ زنند تا در دنیا و آخرت رستگار شوند:

گفت: بگذاشتم کلام الله عترتم را نکو، کنید نگاه (۲۶۰)

حدیقه‌الحقیقه (الهی‌نامه) سنایی به‌عنوان متنی تعلیمی، توانست «توحید»، «اخلاق» و «عرفان» را در هم آمیزد. در این میان، اخلاقیات، به‌خصوص ردایل و محرّمات، جلوه نسبتاً زیادی در حدیقه وی دارد که اهمیت بررسی و تحقیق می‌یابد. نکته مهم دیگر این‌که: عارف و صوفی بودن سنایی مانع از آن نشده تا وی در موضوع اخلاق طبق طبقه‌ای خاص بیندیشد و شعر بگوید و می‌توان گفت: وی در مبحث اخلاق کاملاً دین‌مدار است؛ به عبارت بهتر، می‌توان برای منهیات و اوامر سنایی پشتوانه‌های دینی یافت.

با توجه به مهم و ارزشمند بودن جایگاه نهج‌البلاغه در نزد شاعران و ادیبان فارسی «شاعران فارسی‌زبان، نهج‌البلاغه را در مرتبه دوم پس از کتاب خدا می‌دانند و با تعبیری چون تالی قرآن، آیت وحی، دون کلام خالق، اخت‌القرآن، قرآن دوم و فرقان ثانی یاد می‌کنند. این تشابه از آن‌روست که اندیشه و دانش وسیع امام علی (ع) کاملاً با موازین قرآن کریم منطبق است» (ظفری‌زاده و خاقانی، ۱۳۹۴: ۳۹). با توجه به اشتراکات و قرابت زیادی که بین ادبیات فارسی و ادبیات عربی وجود دارد می‌توان گفت که «موارد متعددی در نهج‌البلاغه، نه‌تنها به‌عنوان یک متن ادبی، بلکه به‌عنوان منبع سرشار از معنویت و اخلاق برای انسان وجود

دارد که دارای ضرب‌المثل یا شعر با واژگان مشترک و یا مفهوم مشترک در فارسی است» (طاطیان، ۱۳۹۳: ۴۹). آنچه ما در این تحقیق در پی آن هستیم، یافتن و بررسی نمونه‌هایی از ردایل اخلاقی است که سنایی به تأثر از نهج‌البلاغه اخذ و به‌صورت شاعرانه و ادبی بیان کرده و مخاطبان را از آن ردایل و آسیب‌ها باز داشته است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

نوشته‌ای مستقل درباره بینامتنیت اخلاقی نهج‌البلاغه و حدیقه سنایی وجود ندارد؛ تنها به چند مقاله درباره حدیقه و قرآن و حدیث اشاره می‌شود که در هیچ‌یک از آن‌ها موضوع تحقیق حاضر دیده نمی‌شود: حسین خسروی در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر قرآن و حدیث در حدیقه سنایی» در **کیهان فرهنگی** (سال بیست و ششم مرداد و شهریور ۱۳۸۸ شماره ۲۷۴ و ۲۷۵: ۵۴-۵۹) به این نتیجه رسیده است که در حدیقه به بیش از دویست آیه و حدود یکصد حدیث به‌ویژه به‌صورت ترجمه اشاره شده است و این ترجمه سهم بسزایی در شکل‌گیری شعر زهد داشته است. سید مهدی مسبوق در مقاله‌ای با عنوان «روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج‌البلاغه» در **مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)**، سال دهم، شماره ۲، ۲۰۵-۲۲۴، ضمن اعلام نفی متوازی به‌عنوان بیشترین شکل بینامتنی و نیز آگاهانه دانستن این تعامل، به این نتیجه می‌رسد که درک دقیق معانی مطلوب علی (ع) جز از طریق آشنایی با کلام‌الله ممکن نیست. سیامک ظفری‌زاده و محمد خاقانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «روابط بینامتنی نهج‌البلاغه با اشعار کلاسیک فارسی» در **پژوهشنامه نهج‌البلاغه دانشگاه بوعلی سینا، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۴: ۳۵-۵۴**، به معرفی و بیان میزان بینامتنیت کلام امام علی (ع) در الفاظ و مضامین اشعار کلاسیک فارسی پرداخته و نشان داده‌اند که الفاظ و مضامین گهربار نهج‌البلاغه در اشعار برجسته‌ترین شاعران ادب فارسی در حد وسیعی وارد شده است. بنابراین، پیشینه تحقیق، نشان می‌دهد که تحقیقات فوق، به‌طور کلی به تأثیرپذیری حدیقه از قرآن کریم و نیز به بررسی کلی روابط بینامتنی قرآن با نهج‌البلاغه و همچنین به میزان اثرپذیری شعر کلاسیک از نهج‌البلاغه پرداخته‌اند؛ اما پژوهش حاضر، به‌صورت تخصصی بازتاب منہیات و محرّمات نهج‌البلاغه و نیز انواع بینامتنی را در حدیقه سنایی نشان می‌دهد.

۱-۳. سوالات پژوهش

- ۱- منہیات نهج‌البلاغه در حدیقه سنایی چگونه بازتاب یافته است؟
- ۲- شیوه‌های بینامتنی نهج‌البلاغه و حدیقه در موضوع منہیات از کدام نوع است؟

۱-۴. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- با توجه به پابندی عمیق سنایی به مؤلفه‌های اسلامی، منہیات بازتاب یافته نهج‌البلاغه در حدیقه، بیشتر ابعاد دینی و اخلاقی دارد.
- ۲- سنایی به‌طور آگاهانه و در جهت پر بار کردن حدیقه، اغلب با استفاده از رابطه نفی متقارن از نهج‌البلاغه بهره جسته است.

۱-۵. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به اینکه انسان جایز الخطاست و گرایش به گناه دارد و شایسته است که از سوی برخی منابع اصیل مورد تذکر و آگاهی قرار گرفته و از منهیات باز داشته شود؛ لذا ضروری است که منابع اصیلی همچون نهج البلاغه در رأس هرم قرار گیرد و به تبع آن حدیقه سنایی نیز که بازتابی از قرآن کریم و نهج البلاغه است، مورد توجه و بررسی قرار گیرد. از آنجاکه موضوع این پژوهش، بازتاب منهیات نهج البلاغه در حدیقه براساس روابط بینامتنی بوده، بنابراین ایجاد می‌کند که این روابط مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۲. بحث

نهج البلاغه بعد از قرآن کریم به‌عنوان اولین و جامع‌ترین منبع غنی از مباحث علوم بلاغی در میان منابع اصلی ادبیات عربی، در مقایسه با سایر کتاب‌های بلاغی، در تمامی مباحث معانی و بیان و بدیع، فراتر از آن‌ها بوده و سایر کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی بیشتر شواهد بلاغی خود را از این کتاب جلیل ذکر کرده‌اند. سنایی در کتاب حدیقه الحقیقه با تأثیرپذیری از کتاب جلیل‌القدر نهج البلاغه در بین سایر آثار سنایی سرآمد بوده و از جمله شاهکارهای وی در میان آثار ادبی فارسی به شمار می‌رود. متن‌های برگرفته از نهج البلاغه با عنوان متن پنهان و اشعاری که سنایی در آن‌ها از مفاهیم و الفاظ نهج البلاغه بهره جسته و اقتباس کرده است با عنوان متن حاضر در این پژوهش ذکر شده است که با بیان انواع مختلف روابط بینامتنی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۲-۱. بینامتنیت

پدیده بینامتنیت از زمان‌های بسیار دوری در بین اندیشمندان و نویسندگان متداول بوده و تنها اختصاص به دوره‌های اخیر ندارد، بلکه در سده اخیر با اصطلاح جدید امروزی پررنگ‌تر و نمادینه‌تر شد. «ژولیا کریستوا» اندیشمند بلغاری با مطالعه آثار باختین، واژه بینامتنیت را نخستین بار در سال ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان «کلمه، گفت‌وگو و رمان» که در آن به تشریح اندیشه‌های باختین پرداخته است، به کار برد (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۲۶). به اعتقاد وی هر متن از همان بدو تولدش در حیطه قلمرو قدرت متون پیش از خود است. باور کریستوا بر این است که هیچ مؤلفی فقط با کمک ذهن خود به خلق اثر دست نمی‌زند؛ بلکه هر اثر واگویی است از مراکز شناخته و نا شناخته فرهنگ (احمدی، ۱۳۷۰: ۳۲۷ و آلن، ۱۳۸۰: ۵۸). از منظر کریستوا، یک متن «جایگشتی از متون و بینامتنیتی در فضای یک متن مفروض» است که در آن «گفته‌های متعددی، اخذ شده از دیگر متون، با هم مصادف شده و یکدیگر را خنثی می‌کنند» (آلن، ۱۳۸۰: ۵۳).

علاوه بر اصطلاح بینامتنی برخی مصطلحات دیگری مشابه با همین عنوان همچون «ترامنتی» در بین تحلیلگران رایج است «با بررسی اقسام ترامنتیت، به نظر می‌رسد رابطه هم‌حضوری بین چند متن در مواردی است که قسمتی از یک متن به متن دیگری منتقل می‌شود و در عین حال این متن منتقل شده در هر دو متن استقلال و حضور دارد» (نفیسی و افسردیر، ۱۳۹۷: ۹۸).

با توجه به تقسیمات مختلفی که از روابط بینامتنی شده است «کریستوا معتقد است شاعر از طریق سه نوع نفی به نویسندگان قبل از خود توجه می‌کند: ۱- نفی کامل یا حوار: در این نوع نفی، شاعر یا نویسنده یک قطعه از متن غایب را به صورت تغییر یافته، در متن خود می‌آورد. «مؤلف در این نوع از روابط با متن پنهان بازآفرینی کامل می‌کند به گونه‌ای که این بازسازی در خلاف معنای متن پنهان باشد» (امین مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴). ۲- نفی متقارن یا امتصاص: در این نوع نفی، معنای عمومی هردو قطعه از متن یکی هستند، ولی هریک از زاویه‌ای به معنایی تقریباً نزدیک اشاره می‌کنند؛ هرچند به طور بنیادین در مقابل هم قرار نمی‌گیرند ۳- نفی جزئی یا اجترار: در این نوع از روابط بینامتنی، نویسنده جزئی از متن غائب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه‌دهنده متن غایب می‌شود (نامورمطلق، ۱۳۹۰: ۱۵۹؛ عزام، ۲۰۰۱: ۱۱۶).

۲-۱-۱. نفی جزئی

۲-۱-۱-۱. جیفه دنیا

متن حاضر:

دل، که با مال و جاه، دارد کار / این، سگی دان و، آن دو را، مُردار (۳۴۰)

متن غایب: «إِنَّمَا الدُّنْيَا جِيفَةٌ وَ الْمُتَوَاحُونَ عَلَيْهَا أَشْبَاهُ الْكِلَابِ» (الآمدی، ۱۴۲۲ ق: ۱۹۳۴/۸۲). بینامتنیت: متن حاضر، با تشبیه مال و جاه - همان تعلقات «الدنیا» در کلام امام(ع) - به مردار، در پی گفت‌وگو با متن پنهان است؛ با این تفاوت که آن حضرت(ع)، خود طالبان دنیا را سگ تلقی می‌کند؛ اما سنایی دل طالبان را تلقی کرده است. دو متن، رابطه نفی بخشی دارند.

۲-۱-۱-۲. دنیاپرستی

متن حاضر:

هر که، جُست از خدایِ خود، دنیا / مرحبا! لیک، نبودش عقیبی
هر دو، نبود به هم، یکی، بگذار / ز آن سرایِ نفیس، دست، مدار (۳۶۲)

متن پنهان: «إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عُدْوَانٍ مُتَفَاوِتَانِ وَ سَبِيلَانِ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَ تَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَ عَادَاهَا وَ هُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ مَا شِ بَيْنَهُمَا كَلَّمَا قَرُبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعُدَ مِنَ الْآخَرِ وَ هُمَا بَعْدُ صُرَّتَانِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۰۳).

بینامتنیت: علی(ع) براساس فرموده نبی اکرم(ص) مبنی بر استحقاق ترجیح آخرت بر دنیا (المجلسی، ۱۰۴/۱۵۱/۷۵؛ العجلونی، ۱۴۰۸ ق: ۱۳۱۴/۴۱۰)، دنیا و آخرت را در حکم دو دشمن و دو راه متفاوت معرفی می‌کند و با توجه به منظومه فکری خود در خصوص دنیا و آخرت، جانب آخرت را می‌گیرد و دنیا را تابع دین قرار می‌دهد؛ تا در آخرت رستگار گردد (الآمدی، ۱۴۲۲ ق: ۱۴۲/۳۶۳۲). سنایی نیز همان فکر علی(ع) را در دو بیت اما به طور آشکار، بیان می‌کند (بینامتنیت مضمونی)؛ وی معتقد است: انسان نمی‌تواند همزمان،

هم حبّ دنیا را به طور کامل داشته باشد و هم آخرت را؛ پس سنایی همچون پیشوای خود، آخرت را بر این دنیا ترجیح می‌دهد. دو متن، به شیوه نفی بخشی ارتباط دارند.

۲-۱-۱-۳. حرص و آز

متن حاضر:

گر تو را خشم و آز بگذارد بر زمین موری از تو نیآزارد (۴۴۳)
متن غایب: «وَاللّٰهُ لَوْ اَعْطِيَتْ الْاَقَالِمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ اَفْلَاكِهَا، عَلِيٌّ اَنْ اَعْصِيَ اللّٰهُ فِي نَمْلَةٍ اَسْلُبُهَا جَلْبَ شَعْبِرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۲۲۴).

بینامتنیت: «مور» نقطه اشتراک شبکه ارتباطی متن حاضر با غایب است. سنایی اصل و اساس آزار غیر را خشم و طمع‌ورزی می‌داند؛ ولی علی(ع) عامل آزار و ستم دیگران را تنها حرص معرفی می‌کند؛ رابطه متن‌ها نفی بخشی است. می‌توان فهمید که ظلم و ستم و یا داوری به‌ناحق، بدترین گناهی است که حتی در برابر به دست آوردن تمام دنیا نباید آن را مرتکب شد (مکارم، ۱۳۹۰: ۸ / ۴۲۱).

۲-۱-۱-۴. رشوه‌خواری

متن حاضر:

نرهد، یک نصیبه جوی، از نار زان که رشوت ده است، رشوت خوار (۴۹۶)
همه، رشوت خورند و، قاعده گر زیر بارند و، خوار، همچون خر (۶۷۹)
متن غایب: «وَلَا التُّرْتِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبُ بِالْحُقُوقِ وَيَقِفُ بِهَا دُونَ الْمَقَاتِعِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۳۱) و «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ، وَأَخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ» (همان: ۷۹).
بینامتنیت: علی(ع) دستگاه قضایی را از رشوه‌خواری و مردم را از رشوه دادن منع می‌کند که البته، لازمه آن، رسیدگی زمامداران و رساندن حق به حقداران است. سنایی هم ضمن انتقاد شدید از اوضاع رشوه‌خواری دستگاه‌های حکومتی روزگارش و نیز بازار داغ رشوه‌دهی، همه رشوه‌خواران و رشوه‌دهان را سزاوار آتش جهنم می‌داند. تعامل به شیوه نفی بخشی است.

۲-۱-۱-۵. بُخل

متن حاضر:

هر که در زندگی بخیل بُود چون به‌بیرد، چو سگ، ذلیل بُود (۳۶۵)
متن غایب: «إِيَّاكَ وَالشَّخَّ فَإِنَّهُ جَلْبَابُ الْمَسْكِينَةِ وَ زِمَامٌ يَقَادُ بِهِ إِلَى كُلِّ دَنَائَةٍ» (الآمدی، ۱۴۲۲ ق: ۸۹/۲۰۹۴).
بینامتنیت: بیت سنایی با استفاده از قدرت رابطه بینامتنی و از راه شبکه ترادف، واژگان «شُخ» و «دنانه» را در خود حاضر می‌کند و با سخن علی(ع) مبنی بر این‌که «بُخل، بارآورنده بیچارگی و پستی» است، لفظاً و مضموناً به تعامل می‌نشیند. شاعر با استفاده از مفهوم نمادین واژه سگ، تبعات بُخل را برای فرد بخیل ذلت و خواری می‌داند. در این دو متن، به دلیل وجود اشتراکات لفظی، مضمونی و نیز بلاغی، بینامتنیتی قوی وجود دارد. دو متن، شیوه بینامتنی نفی بخشی دارند؛ زیرا متن حاضر بُخل را در کنار نماد پستی به کار گرفته و موجب تأثیر‌گذاری بیشتر بر مخاطب شده است.

۲-۱-۱-۶. خشم

متن حاضر:

ای مضمیم از دو دیو دیوانه شهوتِ حیز و، خشمِ مردانه (۳۷۹)
 خشمِ راهِ دل مده، به جاه و یسار سگِ دیوانه، بر درد، هُشیار (۴۲۹)
 کرده ای با دل و جگر، در هم خشمِ ابلیس و، شهوتِ آدم (۳۷۸)

متن غایب: «وَاحْذِرِ الْغَضَبَ، فَإِنَّهُ جُنْدٌ عَظِيمٌ مِنْ جُنُودِ إِبْلِيسَ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۶۹) و «إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَأَوْلُهُ جُنُونٌ وَأَخِرُهُ نَدَمٌ» (الآمدی، ۱۴۲۲ ق: ۸۹/۲۱۰۴) و «الْحَدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدِمُ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۲۵۵).

بینامتنیت: علی(ع) غضب را نوعی دیوانگی و یکی از لشکریان بزرگ شیطان معرفی می‌کند که با برکناری عقل و دیوانگی همراه است و ندامت به بار می‌آورد. سنایی ضمن الهام‌گیری از این سخنان علی(ع) (بینامتنیت مضمونی)، با تشبیه غضب به دیو دیوانه، سگ دیوانه (بینامتنیت بلاغی)، و تخصیص خشم به ابلیس، خطر جدی این رذیله را متذکر می‌شود. شیوه بینامتنی نفی بخشی وجود دارد.

۲-۱-۱-۷. بهتان

متن حاضر:

عقل، دمسازِ زور و بهتان، نیست پرده پوشِ فلان و بهمان، نیست (۳۰۲)
 زان‌که ابله، چو به اشدت، دلجوی آبِ تهمت، دواند اندر جوی (۴۵۶)
 بوی، از آن کوی خود، نیابی، از آن کائن، فلان مذهب است و، آن، بهمان
 تو، روان کرده، از بَطَر، قرقر کآن فلان، مُلحد، آن فلان، کافر (۲۹۲)

متن غایب: «... وَحَابٌ مِّنْ افْتِرَى» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۶).

بینامتنیت: سخن علی(ع) مبنی بر ناکامی و ناامیدی افترا کنندگان، درباره خدا و پیامبر اکرم(ص) است؛ سنایی ضمن تأثیرپذیری از این سخن، افترا و بهتان را در حق انسان‌ها نیز نادرست می‌داند؛ به‌ویژه نسبت کفر و الحاد به دیگران دادن از روی قضاوت کبرآمیز؛ سخن تازه سنایی این است که وی، عقل را از هرگونه افترا و بهتانی دور و جهل را به این رذیله نزدیک‌تر می‌داند. رابطه دو متن، نفی بخشی است.

۲-۱-۱-۸. خودرایی

متن حاضر:

شرع راه جمله، پشتِ پای زده هریک، از رأی خویش، رأی زده (۶۴۱)
 کرده منسوخ، شرع راه احکام همه، پیش مرادِ خویش، غلام (۶۴۲)
 هرکه، در خود، زد، از فضولی، رأی دست از او، سُست، شرع بار خدای (۶۷۶)

متن غایب: «مَفْرَعُهُمْ فِي الْمُعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَ تَعْوِيلُهُمْ فِي الْمُهِمَاتِ عَلَيَّ آرَائِهِمْ...» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۸۸) و «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ» (همان: ۱۶۱).

بینامتنیت: متن غایب، هلاکت را برای خودرایی در نظر می‌گیرد؛ اما متن حاضر، هلاکت انسان را، در دوری او از شرع دانسته و نرسیدن به فلاح تعلق می‌کند. علاوه بر بینامتنیت مضمونی، کنایات «پشت پای زدن» و «دست شستن» بینامتنیت بلاغی دارد.

۲-۱-۱-۹. جدل و ستیزه

متن حاضر:

تو که یک مسئله، ندانی حل با سخندان، چرا کنی تو، جدل؟ (۲۸۳)
مرد جولاهه، چون سوار شود به کم از ساعتی، فگار شود
مرد نادان، چو قصد دانا کرد از تن خویشتن، بر آرد گرد (۲۸۴)

متن غایب: «مَنْ ضَنَّ بِهِ عَرَضَهُ فَلْيَدْعِ الْمِرَاءَ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۳۶۲) و «وإياك أن تجمع بك مطية اللجاج» (همان: ۳۱) و «وَالْكَفْرُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ: عَلَى التَّعَمُّقِ وَالتَّنَازُعِ وَالتَّرْبَعِ وَالتَّشَقَّاقِ... وَمَنْ كَثُرَ نَزَاغُهُ بِالْجَهْلِ دَامَ عَمَاهُ عَنِ الْحَقِّ» (همان: ۳۱)

بینامتنیت: علی (ع) از آن رو آدمی را از جدل و ستیزه برحذر می‌دارد که در ساده‌ترین شکل، آبروی انسان را از بین می‌برد و در نهایت، از آن، به‌عنوان مرکب سرکش و یکی از شاخه‌های کفر، یاد می‌کند؛ سنایی نیز با الهام‌گیری از سخنان آن حضرت، انسان را از جدل و ستیزه، به‌ویژه از روی نادانی و هوا و هوس، برحذر می‌دارد. نفی بخشی، رابطه دو متن است.

۲-۱-۱-۱۰. دروغ‌گویی

متن حاضر: به دروغی، دهد، سرش بر باد از خدا و رسول، نآرد یاد (۲۶۵)

متن غایب: «جَانِبُوا الْكُذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِإِيمَانٍ... وَالْكَاذِبُ عَلَى شَرَفِ مَهْوَاةٍ وَمَهَانَةٍ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۸۶) و «وَشَرُّ الْقَوْلِ الْكُذِبُ» (همان: ۸۴).

بینامتنیت: علی (ع) دروغ‌گویی را از آن رو که از ایمان به خدا و پیامبر اکرم (ص) بر کنار است، بدترین نوع سخن معرفی می‌کند و ضمن برحذر داشتن آدمی از دروغ‌گویی، دروغ‌گو را بر لبه پرتگاه هلاکت و خواری قرار می‌دهد. سنایی نیز با توجه به هشدار علی (ع) از خطر جدی دروغ‌گویی، این رذیله را بدان دلیل که انسان را از ایمان به خدا و رسولش بازمی‌دارد، می‌کوبد و نتیجه آن را بر باد رفتن سر (هلاکت) می‌داند. شیوه بینامتنی: نفی بخشی.

۲-۱-۱-۱۱. فریفتگی

متن حاضر:

هرکس از روی عُرْفِ خود، آیند مَر تو را، سال و ماه، بستایند
ز آن سخن‌های خوب، غیره، مشو همچو تردامنان، به عدل، مَنو (مگرای) (سنایی، ۵۴۳)

متن غایب: «رُبَّ مَفْتُونٍ بِهِ حَسَنُ الْقَوْلِ فِيهِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۴۶۲) و «فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحْدِثُ الرَّهْوَ، وَ تُدْنِي مِنَ الْعَرَّةِ (الْعَرَّةُ)» (همان: ۵۳).

بینامتنیت: سخن علی(ع) این است که مبدا تعریف‌ها و تمجیدها به‌ویژه از نوع مدت‌دار آن، انسان را فریب دهد و او را به‌سوی آلودگی و گناه بکشاند! سنایی نیز همین هشدار را با زبان شاعرانه فارسی خطاب به سلطان بیان می‌کند. «سخن‌های خوب» و «سال و ماه بستایند» در متن حاضر در واقع، ترجمه‌ای از متن پنهان یعنی «حسن‌القول» و «کثره الإطراء» است.

۲-۱-۱-۱۲. غفلت

متن حاضر:

از برون سو، تَنَّتْ، ز غفلت، شاد وَرِ دَرُون، عقل و جانت، با فریاد (۲۰۵)
خواجه، در خواب، غفلتی پیوست رَوِزِ محشر، تو را، که گیرد، دست؟ (۶۴۰)

متن غایب: «وَالجِدُّ الْجِدُّ أَيُّهَا الْعَافِلُ! (وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلَ خَبِيرٍ)» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۵۳) و «فَاسْتَدْرِكُوا بَقِيَّةَ أَيَّامِكُمْ... فَإِنَّهَا قَلِيلٌ فِي كَثِيرِ الْأَيَّامِ الَّتِي تَكُونُ مِنْكُمْ فِيهَا الْغَفْلَةُ» (همان: ۸۵).

بینامتنیت: علی(ع) به‌عنوان پیشوای امت اسلام، با تأکید بر آیه ۱۴ سوره فاطر، مخاطبان خود را از غفلت و بی‌خبری در زندگی دنیا نهی می‌کند و جداً از آن‌ها می‌خواهد از بقیه عمرشان برای جبران زیان‌ها و نیز برای تحصیل زاد و توشه اخروی استفاده کنند. سنایی نیز آدمی را در این دنیا به خاطر اشتغال و سرگرمی به زرق و برق دنیا، غافل می‌داند و او را برای بیدار ساختن از خواب غفلت، به یاد روز حساب می‌اندازد. لفظ «خواجه» برای طنز است. نفی بخشی، شیوه ارتباط دو متن است.

۲-۱-۱-۱۳. غفلت پادشاه

متن حاضر: شاه را، خواب، خوش نباید خُفت فتنه بیدار شد، چو شاه، بخُفت (۵۷۴)

متن غایب: «وَمَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْحَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ؛ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْحَرْزُ وَذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِخِذَافِيرِهِ أَبَدًا» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۴۶).

بینامتنیت: علی(ع) زمامدار مملکت را در انسجام‌بخشی و وحدت، به ریسمان تشبیه می‌کند و هشدار می‌دهد که پاره شدن ریسمان همان و پراکندگی و تفرقه امت همان. سنایی با وقوف به همان ظرافت و باریک‌بینی علی(ع) (بینامتنیت مضمونی)، پادشاه را از خواب غفلت باز می‌دارد؛ در غیر این صورت، فتنه (استعاره) برای تفرقه‌افکنی بین مردم بیدار خواهد شد. شیوه رابطه در دو متن، نفی بخشی است.

از آنجاکه سنایی شاعر عارفی است، می‌توانست براساس سخن پیامبر اکرم(ص) مبنی بر حرام بودن دنیا و آخرت هردو بر اهل خدا (البیهقی، ۱۴۱۰ ق: ۵۵۲۷/۳۹۶/۴)، دنیا و آخرت، هردو را فدای محبوب حقیقی (خدا) کند؛ اما ترجیح آخرت بر دنیا، نشان از پابندی استوار سنایی بر سخنان پیشوایان دینی دارد.

۲-۱-۱-۱۴. سوءظن

متن حاضر:

هیچ راه، در جهان، ز علم و ز ظن بی‌خردوار، پشت پای، مزین (۲۸۰)

متن غایب: «إِذَا اسْتَوَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَأَهْلِهِ ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَظْهَرِ مِنْهُ خَوْبَةٌ فَقَدْ ظَلَمَ!» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۱۴) و «لَا تَطْنَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سَوْءاً وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا» (همان: ۳۶۰). بینامتنیت: علی(ع) براساس آیه شریفه ۱۲ سوره مبارکه «حجرات» که انسان را از گمان‌های بد پرهیز می‌دهد، اصل قضاوت را بر حسن ظن بنا می‌کند؛ ولی اگر فساد بر زمان غالب شود، احتیاط، شرط عقل است. سنایی با توجه به این که همچون مولایش خردگراست، به صورت کنایه، هرگونه قضاوت از روی ظن و گمان را نشانه بی‌خردی می‌داند. نوع بینامتنیت: مضمونی و بلاغی. شیوه: نفی بخشی.

۲-۱-۱-۱۵. نظر ناپاک

متن حاضر:

سهمی است، از سهام دیو لعین هر نظر، کآن، نشاید، اندر دین (۳۵۴)

متن غایب: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَ، ... فَظَنَرُ بِأَعْيُنِهِمْ وَ...» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۷). بینامتنیت: متن غایب، نسبت به کسانی که شیطان را ملاک کارهای خود قرار می‌دهند و با او شریک می‌شوند و در نتیجه شیطان با چشمان آن‌ها می‌نگرد، هشدار می‌دهد. متن حاضر واژه‌های «شیطان»، «نظر» و «أعين» را از متن غایب گرفته و به صورت ادبی و آهنگین: «هر نظر کآن نشاید اندر دین» بیان کرده است. سخن سنایی در حکم پلی بین سخن علی(ع) و این سخن پیامبر اکرم(ص) است: نگاه به نامحرم تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است (الکلینی الرازی، ۱۳۸۹ ق: ۵/۵۵۹).

۲-۱-۱-۱۶. آزاردهی

متن حاضر:

در جهان بهتر از کم‌آزاری هیچ کاری، تو تا نپنداری! (۴۱۳)
رنجه دارنده کم زید چو مگس هست کم رنج، از آن زید کرکس (۵۴۹)

متن غایب: «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ...» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۶۶). روابط بینامتنی: سنایی کلمه «کم‌آزاری» را با الهام‌گیری از کلام و بلاغت علی(ع) به جای کنایه فوق به کار می‌گیرد و برای باورپذیر ساختن این نهی انتزاعی (بی‌آزار بودن)، از تمثیل به عنوان بینامتنیت بلاغی بهره می‌برد؛ دو متن، رابطه نفی بخشی دارند.

۲-۱-۱-۱۷. افشای راز

متن حاضر:

با گرانبجان، مگوی هرگز، راز کاسیا، چون دو شد، شود غماز (۴۸۰)
سیر ز نامحرمان، نهان باید ورنه محرم، چو بشنود، شاید (۴۸۳)
متن غایب: «صدرُ العاقلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۶) و «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتِ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ» (همان: ۱۶۲) و «الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تُتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ فَاحْزُنْ لِسَانَكَ كَمَا تَحْزُنُ ذَهَبَكَ وَ وَرَقَكَ فَرُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَ جَلَبَتْ نِقْمَةً» (همان: ۳۸۱).

بینامتنیت: در اهمیت سکوت و افشا نکردن اسرار در نزد علی(ع) همین بس که وی اسرار را به طلا و نقره تشبیه می‌کند که انسان عاقل باید اسرار خود را همچون اشیای نفیس در صندوق سینه‌اش نگه دارد؛ در غیر این صورت، امکان سلب نعمت بزرگ و ورود مصیبت عظمی وجود دارد. سنایی همان مضمون سخن امام(ع) مبنی بر کتمان اسرار را، با زبان شاعرانه بازگو می‌کند؛ وی راز را از نامحرمان پنهان می‌کند و با تمثیلی زیبا می‌گوید که فردِ گران‌جان به‌عنوان نامحرم، نباید بر اسرار آدمی وقوف یابد؛ همان‌گونه که وقتی از دو آسیا استفاده می‌شود، با صدای بلند خود، اسرار را فاش می‌کند. نوع بینامتنیت: مضمونی و بلاغی و شیوه بینامتنی با توجه به تداوم کلام علی(ع) در حدیقه در قالب تمثیل، از نوع نفی بخشی است.

۲-۱-۱-۱۸. بردگی

متن حاضر:

بنده، کی گردد، آن که باشد، خُر؟ کی توان کرد، ظرفِ پُر را، پُر؟ (۱۱۰)

متن غایب: «وَلَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۳۱).

بینامتنیت: متن غایب به‌طور مستقیم، می‌گوید: از آن‌جا که خداوند انسان را آزاد خلق کرده؛ نباید بنده دیگری باشد؛ ولی متن حاضر، مضمون مورد نظر را برای اقناع مخاطب، از راه تمثیل بیان می‌کند (بینامتنیت بلاغی). شیوه ارتباطی دو متن، نفی بخشی است.

۲-۱-۲. نفی متقارن

۲-۱-۲-۱. دنیای خوش خط و خال

متن حاضر:

هست، چون مارِ گرز، دولتِ دهر نرم و رنگین و، از درون، پُر زهر
 طفل، چون زهرِ مار، کم داند نقشی او راه، تَتی تَتی خواند (۴۳۱)
 یار مار است چو زنی تو درش مار یار است چون رمی ز برش (۷۷)

متن غایب: «مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسَّهَا وَالسُّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْعُرُّ الْجَاهِلُ وَ يَحْدَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ» (نهج البلاغه، حکمت: ۱۱۹).

بینامتنیت: متن حاضر از طریق تشبیه دنیا به مار و نیز از طریق کلمات زهر، سم، مار، طفل (برابر جاهل) به تعامل با متن پنهان می‌پردازد (بینامتنیت بلاغی و لفظی). مضمون هر دو متن این است که انسان عاقل، فریفته ظاهر مار خوش خط و خال دنیا نمی‌شود (بینامتنیت مضمونی). سنایی با وجود حفظ جوهره کلام علی(ع)، در بیت سوم مطلب را تنوع می‌بخشد. شیوه ارتباطی نفی متقارن است.

۲-۲-۱-۲. تملق و چاپلوسی

متن حاضر:

یک قصیده، دویست جا، خوانده پیش هر سفله، ریش را لانده (۶۴۹)
 وز پی یک دو، نان، به رعنایی خواند او راه، به حاتمِ طایی

در شجاعت، وُرا، بِسَانِ عَلِيٍّ می‌ستاید که: سخت، بی بدلی در سخاوت، وُرا ز حاتمِ طیّی بگذراند، به شرح، عزّ علیّ (۶۸۸) متن غایب: «الْمَنِيَّةُ وَاللَّذِيئَةُ وَالتَّقَلُّلُ وَ لَا التَّوَسُّلُ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۳۹۶) و «النَّاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ» (همان: ۳۴۷) و «وَالصَّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصَّدَقِ، ثُمَّ رُضْمُهُمْ عَلَيَّ أَلَّا يُطْرُوكَ وَلَا يَجْحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحْدِثُ الرَّهْمَ، وَتُدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ» (همان: ۵۳). بینامتنیت: خلاصه کلام علی(ع) این است که برای انسان آزاده، مدح و تملق خارج از عرف، غرور و سرکشی بار می‌آورد و مرگِ باعزت و قناعت، بر پستی و دست به دامن کسی شدن، برتری دارد و ستایش هم در حالت اعتدال و با پرهیز از افراط و تفریط پسندیده است؛ سنایی با اثرپذیری از سخنان علی(ع)، ضمن دعوت از شاعر و غیرشاعر به رعایت استحقاق در امر ستایش، آدمی را از خدمت مخلوقات و تملق‌گویی و کنار گذاشتن ادب و عرف و مقایسه افراد نامستحق با علی(ع) و حاتم طایی در سخاوت و شجاعت برحذر می‌دارد. وجود کلمات الثناء، ستودن، ترهات و ژاژ خاییدن و...، نشان از ارتباط میان‌متنی نفی متقارن، بین این دو متن دارد.

۲-۱-۲-۳. ظاهر الصلاحی

متن حاضر:

گیرم این جا ز دیوی و زُوشی عیبِ خود، بر همه، همی پوشی چون رسی، در جهان بی چونی عیب گوید: من اینکم، چونی؟ (۴۲۸) از پی صیدِ عامی و خامی ساخته، شرع و صدق راه دامی (۲۹۰) متن غایب: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُحَسِّنَ فِي لَامِعَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَةً وَتَقْبَحَ فِيهَا أَبْطُنُ لَكَ سِرِّي مُحَافِظًا عَلَيَّ رِيَاءِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي بِهَ جَمِيعِ مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي فَأَبْدِي لِلنَّاسِ حُسْنَ ظَاهِرِي وَ أَفْضِي إِلَيْكَ بِهَ سَوْءِ عَمَلِي تَقَرُّبًا إِلَى عِبَادِكَ وَ تَبَاعُدًا مِنْ مَرْضَاتِكَ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۲۷۶).

بینامتنیت: موتیف اصلی هر دو کلام، پرهیز از ریا و ظاهرسازی است (بینامتنیت مضمونی)؛ علی(ع) از این که براساس ریا، ظاهرش برخلاف باطنش باشد، به خدا پناه می‌برد. علی(ع) برای همراه کردن مخاطب و تأثیرگذاری بیشتر کلام خود، به صورت اول شخص سخن می‌گوید؛ ولی سنایی با یادآوری روز قیامت (و حاضر شدن شهود)، البته آمیخته با عنصر طنز (بینامتنیت بلاغی)، آدمی را از عمل شرک‌آمیز ریا برحذر می‌دارد.

۲-۱-۲-۴. ستمکاری

متن حاضر:

میر، چون، جفتِ دین و داد، بُود	خلق راه، دل، ز عدل، شاد بُود
ور بُود، رأی او، سوی بیداد	مُلکِ خود، داد، سر به سر، بر باد (۹۴)
بد شود، تن، چو، دل، تباه بُود	ظلم لشکر، ز ضَعْفِ شاه، بُود

متن غایب: «فَلْيَسْتِ تُصْلِحِ الرَّعِيَّةَ إِلَّا بِصَلْحِ الْوَلَاةِ وَلَا تَصْلُحِ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۲۱۶).

بینامتنیت: از منظر علی(ع)، رعیت تنها با اصلاح زمامداران و زمامداران نیز تنها با اصلاح رعیت اصلاح می‌پذیرند. سنایی اندکی با اطناب، مضمون کلام علی(ع) را بازگو می‌کند (بینامتنیت مضمونی) و معتقد است: در صورتی که امیر طبق دین و عدل با مردم رفتار کند، مردم نیز شادمان می‌شوند و سامان می‌یابند ولی اگر مثلاً حاکم در اجرای عدالت، نقطه ضعفی از خود نشان دهد، رعیت و سپاه علیه همدیگر، دست به ظلم و ستم می‌کشایند.

۲-۱-۲-۵. خوردن مال یتیمان و بیوگان

متن حاضر:

از یتیمان و، بیوگان دیار کرده دائم، بطنوشان، پُر نار (۲۸۹)
از تو، پرسند روز رستاخیز کای (که ای) به خواب اندرون، یکی، برخیز
باز گو، تا بدی چرا کردی؟ مال ایتام و بیوه، چون خوردی؟ (۶۴۰)

متن پنهان: «وَاحْتَفَفْتَ مَا قَدَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمُ الْمَصُونَةِ لِأَرْوَاحِهِمْ وَأَيْتَامِهِمْ اخْتِطَافَ الذَّنْبِ الْأَزَلِّ دَامِيَةَ الْمِعْرِي الْكَسِيرَةِ، أَمَا تُؤْمِنُ بِالْمَعَادِ؟ أَوْ مَا تَخَافُ نِقَاشَ الْحِسَابِ!» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۴۱).

روابط میان متنی: علی(ع) در نامه‌ای به فرماندار بصره، نسبت به دست‌اندازی به اموال بیت‌المال و از جمله اموال یتیمان و بیوگان اعتراض می‌کند و برای تأثیر بیشتر کلام خود، حساب روز قیامت را یادآوری می‌کند. سنایی نیز به تاسی از مولا علی(ع)، شاعرانه توجه کسانی را که اموال ایتام و بیوه‌ها را با ستم می‌خورند، به پرسش و مؤاخذه روز حساب جلب می‌کند (بینامتنیت مضمونی). واژگان «یتیمان و بیوگان»، «رستاخیز» و «ایتام» و ... دال بر وجود رابطه میان متنی در کنار رابطه ضمنی بین این دو سخن است. نفی متقارن، شیوه تعامل دو متن است.

۲-۱-۲-۶. خون ناحق

متن حاضر:

خون ناحق، نگر، نریزی هیچ ورنه، نارِ جحیم را، بیسیج
خونِ ناحق، ز کارهاست، به تر خونِ ناحق، کُندت، زیر و زَبَر (۵۵۳)
هرکه، خون ریختن، کند، آغاز زود، میرد، به سانِ باشه و باز (۴۱۳)

متن غایب: «إِيَّاكَ وَالِدَّمَاءِ وَسَفَكِهَا بِغَيْرِ حِلِّهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْنَى لِنِقْمَةٍ، وَلَا أَعْظَمَ لِتَبِعَةٍ، وَلَا أَحْرَى بِه زَوَالِ نِعْمَةٍ، وَإِنْقِطَاعِ مُدَّةٍ، مِنْ سَفَكِ الدَّمَاءِ بِغَيْرِ حَقِّهَا. وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ مُتَبَدِّيٌّ بِالْحُكْمِ بَيْنَ الْعِبَادِ، فِيمَا تَسَافَكُوا مِنَ الدَّمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ فَلَا تُقَوِّينَ سُلْطَانَكَ بِسَفَكِ دَمٍ حَرَامٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُضَعِفُهُ وَيُوهِنُهُ، بَلْ يُرِيْلُهُ وَيَنْقُلُهُ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۵۳).

بینامتنیت: در متن حاضر، کلمه «ناحق» تعبیر دیگری از «به غیر حِلِّها» از سخن علی(ع) است. کلام سنایی مبنی بر این‌که: ریختن خون به ناحق، عذاب دوزخ را در پی دارد، کاملاً تحت تأثیر کلام امام(ع) گفته

شده است؛ همچنین، هر دو متن آغاز خون‌ریزی را موجب ناتوانی و سقوط معرفی می‌دانند؛ با این تنوع و تفاوت که: در شعر سنایی با مثال‌هایی از پرندگان باشه و باز همراه است.

۲-۱-۲-۷. ترک جهاد

متن حاضر:

روز هيجاه، که صلح، جنگ شود نام بد دل، ز بیم، ننگ شود
مرد رُمح و عمود و تیر و سنان زود، پیدا شود، ز مرد سه نان (۵۸۸)

متن غایب: «وَاسْتَحْيُوا مِنَ الْفَرِّ، فَإِنَّهُ عَارٌ فِي الْأَعْقَابِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۶۶) و «إِنَّ فِي الْفِرَارِ مَوْجِدَةً اللَّهُ، وَالذُّلَّ الْإِلْزَامَ، وَالْعَارَ الْبَاقِيَّ» (همان: ۱۲۴).

بینامتنیت: کلام علی(ع) در واقع تشویق یارانش به جهاد در نبرد صفین است؛ از این‌رو، علی(ع) سپاه خود را از پذیرش ننگ فرار برحذر می‌دارد. سخن سنایی نیز تشویق پادشاه روزگارش برای جهاد و نبرد با هندوستان کافر و بت‌پرست است (سنایی، ۱۳۸۷: ۵۸۸-۵۸۹). متن حاضر از طریق کلمات ننگ و عار و بد دل و الفرار از متن پنهان، در گفت‌وگوی واژگانی نیز است. «تنگ ابدی» مضمون مشترک بین اشعار سنایی و سخن امام(ع) است. ضمناً سنایی با کلمات «مرد... سنان» (جنگ‌جو) و «مرد سه نان» (راحت‌طلب و مادیگرا) بازی شاعرانه کرده است (بینامتنیت موسیقایی). دو متن، رابطه نفی متقارن دارند.

۲-۱-۲-۸. ترس و بددلی

متن حاضر:

مرد بد دل، خیانت، اندیشد راز خود، پیش خلق، بپیشد
مرد راه، آراجل، کند تاسه مرگ، با بد دل است، هم کاسه (۳۸۷)
تیغ، در خورد مرد مردانه است وز جَبان، تیغ تیز، بیگانه است (۳۸۸)

متن غایب: «الْبُخْلُ عَارٌ وَ الْجُبْنُ مَنْقَصَةٌ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۳) و «وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ» (همان: ۵۳).

بینامتنیت: پیامبر اکرم(ص) خطاب به علی(ع) می‌فرماید: «ای علی! بدان که ترسویی و بخل و آزمندی یک سرشتند و ریشه آن‌ها بدگمانی به خداست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۳۲۹/۱). بر همین اساس، علی(ع) ترس را در حکم نقصانی می‌داند که صاحب آن، با تضعیف شجاعت، اراده آدمی را در کارها سست می‌گرداند؛ همچنین علی(ع) سرچشمه این صفت ناقص و تمایلات دیگری از قبیل بخل و حرص را «سوء ظن» به خدا معرفی می‌کند؛ زیرا این‌گونه افراد، نسبت به وعده الهی در خصوص نصرت یاران حق بدگمان‌اند؛ اما سنایی با توجه به کلام علی(ع) و گاهی با ترجمه آن‌ها، به سه ویژگی منفی فرد ترسو (خیانت، افشای سر، گریز از جهاد) نیز اشاره می‌کند؛ در نهایت، مرگ را با وجود احتیاط فرد بزدل، با وی، هم‌کاسه می‌داند. از آن‌جاکه جوهره دو متن، تغییری نکرده و ضمن ایجاد سازش، معنای متن حاضر با نوعی تغییر و تنوع همراه شده است، شیوه ارتباط، نفی متقارن است.

۲-۱-۲-۹. غیبت

متن حاضر:

گفت روزی، مرید خود را، پیر
کاجکی معصیت بدادی گند
که ز غیبت، مکن تو، چهره، چو قیر
تا که مُغتاب را شدی چون بند
نخورد لحمِ أخ، مردِ وجیه (۲۸۶)

متن غایب: «فکیف بالعائب الذی عابَ أخاً و غیره بِلواهُ أما ذکرَ موضعِ سترالله علیه من ذنوبه» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۴۰) و «السامعُ للغیبهِ کالمُغتابِ» (الآمدی، ۱۴۲۲ ق: ۱۴۱۵ / ۱۵۹) و «أیها الناس، من عرفَ من أخیه وثیقة دین و سداد طریق، فلا یسمعن فیهِ أقاویل الرجال» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۴۱).

بینامتنیت: علی(ع) در سخنان فوق، هم مردم را از غیبت کردن باز می‌دارد و هم شنوندگان غیبت را. ایشان برای تأثیر بیشتر کلام خود، از صفت قرآنی «ستار العیوبی» خدا هم بهره می‌گیرند. سنایی نیز به صورت عمومی، همه عاملان غیبت را سرزنش می‌کند و برای گیرایی سخنش، به تمثیل قرآنی «أُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ یَأْکُلَ لَحْمَ أَخِیهِ مِیْتًا فَکَرِهْتُمُوهُ» (حجرات: ۱۲) متمسک می‌شود. در نظر سنایی، غیبت، چهره غیبت‌کننده را تیره و تار می‌سازد. شیوه تعامل دو متن، نفی متقارن است.

۲-۱-۲-۱۰. زنا و لواط

متن حاضر:

ز آبِ پشت، آبروی، بگریزد
از گناهانِ لوطی و زانی
کابِ پشت، آبِ روی‌ها، ریزد (۳۵۴)
خشک شد، چشمِ ابرِ نیسانی (۶۶۹)
متن غایب: «وَتَرَکَ الرَّزْیَ تَحْصِیْنًا لِلنَّسَبِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۲۵۲) و «ما زنی غیورٌ قطُّ» (همان: ۳۰۵).
بینامتنیت: علی(ع) در سخنان فوق، بر لزوم ترک زنا برای حفظ نسب و ترک لواط برای افزایش نسل‌ها و نیز پرهیز از زنا و لواط تأکید دارد و برای تأثیر بیشتر کلام، به تحریک «غیرت» مخاطبان روی می‌آورد؛ اما سنایی، ضمن تأکید بر ترک زنا و لواط، این گناهان را موجب بی‌آبرویی و بروز بلایای طبیعی، نظیر خشک‌سالی در جامعه می‌داند.

۲-۱-۲-۱۱. شکم بارگی

متن حاضر:

مرد با مال، بی یقین باشد
هر که بسیار خوار، باشد او
سیر خورده، گرسنه دین، باشد (۳۸۹)
دان که بسیار، خوار، باشد او (۳۹۰)
چون خوری بیش، پیل باشی تو
کم، خوری، جبرئیل باشی، تو (۳۹۰)
هر کیش امروز، قبله، مَطِیخ شد
دان که فرداش، جای، دوزخ شد (۳۸۹)
متن غایب: «کَالهِیْمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هُمُّهَا عِلْفُهَا، أَوْ الْمُرْسَلَةُ شَغْلُهَا تَقَمَّمَهَا» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۴۵) و «أَسْهَرُوا عُیُونَكُمْ، وَأَضْمِرُوا بُطُونَكُمْ، وَاسْتَعْمَلُوا أَقْدَامَكُمْ» (همان: ۱۸۳).

بینامتنیت: علی(ع) در زمینه مبعوض‌ترین کار در پیشگاه خدا (شکمبارگی) (صدوق، ۱۳۷۳: ۲/۲۴۹)، انسان را از این‌که بدون توجه به سرنوشت آخروی، به فکر انباشتن شکم باشد، مؤاخذه می‌کند و خطاب به کهن‌سالان توصیه می‌کند در کنار طاعات و عبادات و کمک‌های مالی به نیازمندان، شکم‌ها را لاغر کنید. سنایی نیز بر همین مبنای، برای مخاطبان خود کم‌خواری را بهترین راه برای رسیدن به مقام فرشتگی و سعادت ابدی معرفی می‌کند (بینامتنیت مضمونی) که در غیر این صورت، دوزخی خواهند شد؛ زیرا از منظر وی، سیرخورده، گرسنه‌دین است. واژه‌هایی نظیر بطن، پیل، قبله و... در حدیقه و واژه‌های بطون، به هیمه، هم و... در نهج‌البلاغه از نشانه‌های گفت‌وگوی دو متن هستند.

۲-۱-۲-۱۲. آرزوهای دور و دراز

متن حاضر:

زین هوس‌های هرزه دست بدار آرزو زهر دان و معده چو مار
افعی آرزوت اگر بگزد با تو این کارها بسی بپزد (۸۹)
که بود غافل از قضای اجل کوته اندیشه دراز امل (۴۱۵)

متن غایب: «وَأَمَّا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ آمَالِهِمْ وَتَغَيَّبِ آجَالِهِمْ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۴۷) و «... وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ» (همان: ۴۲) و «وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِيَ الْعَقْلَ وَيُنْسِي الذِّكْرَ فَكَذَّبُوا الْأَمَلَ فَيَأْتِيَهُمْ غُرُورٌ وَصَاحِبُهُ مَغْرُورٌ» (همان: ۸۶).

بینامتنیت: علی(ع) مخاطب را به اقرار به دروغ‌ن بودن امل و سنایی نیز به رها کردن هوس‌های هرزه دعوت می‌کنند (بینامتنیت مضمونی). امام(ع) «أمل» را موجب زیان‌هایی نظیر غفلت از یاد مرگ، هلاکت، فراموشی عقل و آخرت و فریفتگی صاحبش می‌داند؛ اما سنایی، آن را موجب غفلت آدمی از قضای اجل (مشترک با سخن علی(ع))، آبروریزی و نیز سلب آسایش معرفی می‌کند. سنایی در مضمون نهی از آرزوی دور و دراز که «از بزرگ‌ترین دشمنان سعادت بشری است» (مکارم، ۱۳۹۰: ۵/۶۸۱)، از تشبیه آرزو به زهر و نیز به افعی؛ همچنین استعاره تملیحی «پختن کارها» برای مرگ و نابودی به‌عنوان بینامتنیت بلاغی بهره می‌برد. نفی متقارن، شیوه بینامتنی دو متن است.

۲-۱-۲-۱۳. حسد

متن حاضر:

حسد و خشم و بخل و شهوت و آز به خدای آر گذاردت به نماز
تا حسد را ز دل برون ننهی از عمل‌های زشت او نرهی (۱۳۹)
متن غایب: «وَلَا تَحَاسَدُوا، فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطْبَ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۸۶) و «صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قَلَّةِ الْحَسَدِ» (همان: ۲۵۶).

بینامتنیت: علی(ع) براساس آیه شریفه ۵ سوره مبارکه «فلق»، امتش را از رذیله «حسد» که در حکم اعتراض به خدا در تقسیم نعمت‌های خود نسبت به بندگان است (مکارم، ۱۳۹۰: ۱۴/۱۳۳) باز می‌دارد و از نظر روان‌شناسی نیز سلامت جسم را در گرو کمی حسد می‌داند. سنایی نیز رذایل، به‌ویژه «حسد» را مانع

پرداختن آدمی به نماز (از ارکان دین) می‌داند و معتقد است: تا زمانی که حسد از روح و روان آدمی خارج نشود، هیچ‌گونه آرامشی نخواهد داشت. نوع بینامتنی: مضمونی و شیوه بینامتنی: نفی متقارن است.

۲-۱-۲-۱۴. حقد و کینه

متن حاضر:

گه کُشد، شـیر کـبر و، خوکِ نیاز گه گزد، مارِ حقد و، گزْدُم آز (۲۰۵)
سگِ کین، از بغل، برون انداز سگ به زیرِ بغل، میا، به نماز (۲۸۰)

متن غایب: «وَلَا تَبَاغَضُوا فَإِنَّهَا الْحَالِقَةُ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۸۵) و «أَحْصِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرِ غَيْرِكَ بِه قَلْعَهُ مِنْ صَدْرِكَ» (همان: ۱۷۸).

بینامتنیت: از نگاه امام علی(ع) کینه، موجب از بین رفتن خیر و برکت می‌شود؛ همچنین اقدام نمودن به ریشه‌کنی نیت‌های سوء و کینه‌های درونی، موجب از بین رفتن کینه‌های طرف مقابل می‌گردد. سنایی نیز همین مضامین را با تشبیه حقد و کینه به حیوانات موذی و آلوده‌ای همچون: مار، سگ و دیو بیان می‌کند (بینامتنیت بلاغی)؛ به‌گونه‌ای که حقد و کینه موجب انکار حقایق و بروز و تداوم دشمنی است. نفی متقارن رابطه دو متن است.

۲-۱-۲-۱۵. خودبینی

متن حاضر:

گر تو، مردِ شریعت و دینی یک زمان، شو، زِ خودبینی (۱۵۳)
مُنْتَهای بدی، منی، داند برتری، در فروتنی، داند
نخوتش، هرچه کم، به نیرو تر قدرتش، هرچه بیش، خوش‌خو تر (۶۰۰)

متن غایب: «وَأَعْتَمِدُوا وَضِعَ التُّدْلِ عَلَي رُؤُوسِكُمْ، وَإِلْقَاءِ التَّعَرُّزِ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ، وَخَلَعَ التَّكْبُرُ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ وَأَتَّخِذُوا التَّوَاضِعَ مَسَلِحَةً بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّكُمْ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۱۹۲) و «صَعَّ فَخْرِكَ وَاحْطَطْ كِبْرَكَ وَادْكُرْ قَبْرَكَ» (همان: ۳۹۸).

بینامتنیت: علی(ع) از امت خود می‌خواهد تاج تواضع بر سر نهند و «خود برتربینی» را زیر پا افکنند. سنایی نیز در وصف بزرگی واقعی، تکبر را منت‌های بدی و در مقابل، فروتنی را در حکم دژی مستحکم در برابر این دشمن معرفی می‌کند. علی(ع) در اوج بلاغت، تکبر را عین زنجیر تصور می‌کند. کلام سنایی تحت تأثیر صبغه دینی کلام آن حضرت(ع) است که کلمات «شریعت» و «دین» این مفهوم را بر دوش خود دارند. شیوه نفی متقارن دارند.

۲-۱-۲-۱۶. دوستی جاهل

متن حاضر:

متن غایب: «بَا بَنِي إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۳۸) و «لَا تَصْحَبِ الْمَاتِقَ فَإِنَّهُ يُرِيئُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يَوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ» (همان: ۲۹۳).

مهرِ جاهل، چو مُهره، گردان است مهر، کز عقل بود، مهر، آن است (۴۴۴)
چنگ و نای است، در صفت، نادان تنگدل باشد و، فراخ دهان
زان که ابله، چو به اشدت دل جوی آبِ تهمت، دوآند اندر جوی (۴۵۶)

بینامتنیت: متن غایب، بر «دوستی نکردن با انسان جاهل» به دلیل زیان رساندن و نادان کردن دوستش، تأکید می‌کند؛ اما متن حاضر با وجود تأیید مضمون متن غایب، دلیل دوستی نکردن با افراد نادان را، تهمت‌زنی آن‌ها نسبت به دوستانشان می‌داند؛ همچنین، سنایی، برای مؤثرتر کردن کلام خود، نادان را از روی تنگدلی و بزرگی دهان، به آلات موسیقی چنگ و نای تشبیه می‌کند و محبت آن‌ها را در تغییر و دگرگونی، به مُهره مانند می‌کند. کلام سنایی با سخن امام(ع) دارای تعامل‌های واژگانی، مضمونی و بلاغی است و با آن به شیوه نفی متقارن، رابطه دارد.

۲-۱-۲-۱۷. لاف‌زنی

متن حاضر:

از معانی دلش بی انصاف است همچو طوطی به نطق درلاف است (۶۸۳)
تا کی این ژاژ بی شمار آخر وِیَحْک! از خلق، شرم دار آخر (۶۸۶)

متن غایب: «لَاتَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كَلًّا مَا تَعْلَمُ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۳۸۲).

بینامتنیت: گفتن آن‌چه برای آدمی نامعلوم است، در قرآن نیز منع شده است (بقره: ۱۶۹؛ اعراف: ۳۳)؛ مضمون سخن مولا علی(ع) مبنی بر «نهی از لاف‌زنی» در متن حاضر، به شیوه نفی بخشی، با زبانی شاعرانه و با استفاده از تشبیه گوینده سخن بی‌حقیقت به لاف و تقلید طوطی، و نیز به کارگیری واژه نمادین «ژاژ» بازتاب یافته است.

۲-۱-۲-۱۸. لهو و لعب

متن حاضر:

کی کند، جلوۀ عزُّ الهی قدس لاهوت، بر دل لاهی؟
دور دور است، ساهی از شاهی همچو رازِ الهی، از لاهی (۲۸۱)
گردِ هزل و عبث، چرا گردی؟ عمرِ خود، در عبث، هبا کردی (۴۷۳)
مردِ عاقل، ز لهو، پرهیزد زین چنین عُمر، عقل، بگریزد (۷۲۱)

متن پنهان: «أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَمَا خُلِقَ امْرُؤٌ عَبَثًا فَيَلْهُوُ؛ وَلَا تُرِكَ سُدًى فَيَلْغُوُ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۳۷۰).

بینامتنیت: علی(ع) به‌طور مستقیم، آدمی را از آن‌رو که بیهوده خلق نشده و نیز به حال خود ترک نشده، از اعمال لهو و لغو باز می‌دارد؛ اما سنایی علاوه بر نفی انسان از لهو و سهو و عبث، با استفاده از بینامتنیت بلاغی، آن ردایل را موجب عدم جلوۀ اسرار الهی در دل‌ها می‌داند؛ همچنین سنایی نقش شیعه‌گرایانه عقل را در دوری از لهو می‌ستاید. گفت‌وگوی دو متن، نفی متقارن است.

۲-۱-۳. نفی کامل

۲-۱-۳-۱. ناسپاسی

متن حاضر:

دوری، از سرّ کار، همچو کفور هست، اهل الکفور، اهل قبور (۶۴۴)
متن پنهان: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّا قَدْ أَصَحْنَا فِي دَهْرِ غُنُودٍ، وَ زَمَنِ كُنُودٍ» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۳۲).
 بینامتنیت: ساخت آوایی و موسیقایی نزدیک بین کلمات کفور و کنود و عنود، موجب رابطه بینامتنی شده است. علی(ع) ناسپاسی را به روزگار نسبت می‌دهد؛ اما سنایی، کسی را که از حکمت کارها بی‌خبر باشد، ناسپاس و شایسته مرگ می‌داند. بینامتنیت نفی کامل دارد.

۲-۱-۳-۲. ربا**متن حاضر:**

گفت روزی، به جعفر صادق حيله جویی، ربا دهی، فاسق
 کز حرامی ربا، چه مقصود است؟ گفت: زیرا که مانع جود است (۳۶۷)
متن غایب: «مَنْ اتَّجَرَ بِهِ غَيْرِ فَفَقَهُ فَقَدْ ارْتَطَمَ فِي الرِّبَا» (صبحی صالح، ۱۴۱۵ ق: ۴۴۷).

بینامتنیت: علی(ع) به منشأ ربا می‌پردازد و تجارت بی‌فقه را موجب افتادن به ورطه ربا می‌داند. سنایی با مینا قرار دادن حدیث امام جعفر صادق(ع) فلسفه حرام بودن ربا و فضیلت انفاق و صدقه را توضیح می‌دهد (الحرّالعالمی، بی‌تا: ۱۸ / ۱۱۸/۲۳۲۷۳)؛ به این معنی که ربا نه تنها سود ندارد، بلکه کیفر و عذابی دردآور به دنبال آن است؛ ولی صدقه، سود و منفعت هفتصد برابر دارد. شیوه بینامتنی، نفی کامل است که اوج بینامتنیت به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

حاصل تحقیق حاضر شامل مطالب زیر است:

- ۱- سنایی به تأسی از علی(ع) می‌کوشد مخاطبان خود را از بسیاری از ردایب اخلاقی که آرامش و انسجام فردی و جمعی را در معرض خطر و آسیب جدی قرار می‌دهد، باز دارد.
- ۲- علی(ع) به‌عنوان پیشوای دینی مسلمانان، با بلاغت و شیوایی و نظام نشانه‌های خاص خود، از بسیاری از ردیلت‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی برحذر می‌دارد؛ سنایی نیز در مقام یکی از پیروان راستین آن حضرت، منهیات مؤثر و سازنده او را از طریق اشعار خود برگرفته و سعی می‌کند آن را شاعرانه و با ترجمه و نیز به بهترین شکل ممکن به گوش مخاطبان خود برساند.
- ۳- سنایی در پاره‌ای از مؤلفه‌ها، عقل را عامل کنترلی آسیب‌های اخلاقی می‌داند؛ بخش‌هایی از این عقل‌گرایی سنایی، حاصل آشنایی وی با کلام علی(ع) است.
- ۴- زمینه‌های سیاسی، اجتماعی نهج‌البلاغه باعث می‌شود سنایی هنگام اثرپذیری، خواننده را به فضای زمان علی(ع) ببرد و خود را در جایگاه مخاطبان مستقیم علی(ع) بنشاند و در نتیجه بیشتر متأثر شود و حال و هوای تازه‌ای بیابد.

- ۵- با توجه به این که حدیقه الحقیقه تحت تأثیر متونی دیگر از جمله کلام علی(ع) پدید آمده است؛ بسیاری از پیچیدگی‌های آن در ارتباط و تعامل با نهج البلاغه حل و فصل می‌شود.
- ۶- به جرأت می‌توان گفت: اشعار سنایی در باب رذایل اخلاقی، ترکیبی از ترجمه‌ها، اقتباس‌ها، مضمون‌ها و در نهایت، شکل‌های تغییر یافته کلام علی(ع) است.
- ۷- تمام منهیات سنایی دارای پشتوانه‌های دینی، از جمله کلام علی(ع) است.
- ۸- در نهج البلاغه و حدیقه الحقیقه، از انواع بینامتنیت، مضمونی، لفظی و بلاغی به نحو احسن استفاده شده است؛ بدین معنی که سنایی به‌طور خودآگاه، برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان خود، مضامین موردنظر را به‌ویژه از نهج البلاغه اخذ می‌کند و از واژگان آن نیز به‌صورت ترجمه استفاده می‌کند. وی برای مجسم کردن منهیات که بیشتر انتزاعی است، از صور خیال و پاره‌ای از آرایه‌های ادبی سود می‌برد و کلمه‌های خود را، هم‌آوا با کلمه‌های کلام علی(ع) به کار می‌گیرد.
- ۹- سنایی از شیوه‌های بینامتنیت نیز، از هر سه شیوه (نفی بخشی، نفی متقارن و نفی کامل) در حدیقه خود استفاده می‌کند. وی در طرح بیست مؤلفه، با ذکر جزئی از متن نهج البلاغه و نیز معنای پاره‌ای از الفاظ، با شیوه نفی بخشی با متن غایب گفت‌وگو می‌کند. در بیست مضمون دیگر نیز با حفظ جوهره متن غایب و ایجاد نوعی سازش بین دو متن و نیز با تغییر و تنوع بخشیدن به متن حاضر از راه نفی متقارن با متن نهج البلاغه در تعامل است. در نهایت، در دو مشخصه نیز، با ذکر نکاتی که در متن غایب نیست، به بازآفرینی روی می‌آورد.

منابع

- قرآن کریم، با ترجمه مهدی الهی قمشهای.
- آلن، گراهام. (۱۳۸۰). بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- الآمدی التیمی، عبدالواحد. (۱۴۲۲ ق). غررالحکم و دررالکلم، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن (نشانه‌شناسی و ساختارگرایی)، تهران: مرکز.
- امین مقدسی، ابوالحسن؛ خلف، حسن؛ همایونی، سعداله. (۱۳۹۰). «روابط بینامتنی نهج البلاغه با آثار امین الریحانی»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، سال اول، شماره یک، ۶-۲۴.
- البیهقی، ابوبکر. (۱۴۱۰ ق). شعب الایمان، تحقیق محمدالسعيد بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الحرّالعالمی، الشیخ ابوجعفر. (بی تا). وسائل الشیعة، قم: الناشر مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- خسروی، حسین. (۱۳۸۸). «تأثیر قرآن و حدیث در حدیقه سنایی»، کیهان فرهنگی، سال بیست و ششم، شماره ۲۷۴ و ۲۷۵، ۵۴-۵۹.
- سنایی، مجدودین آدم. (۱۳۸۷). حدیقه الحقیقه، تصحیح مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صبحی، صالح. (۱۴۱۵ ق). نهج البلاغه، دارالاسوة للطباعة والنشر، الطبعة الاولى.
- صدوق، ابوجعفر محمدین علی بن الحسین. (۱۳۷۳). عیون اخبارالرضا، تهران: نشر صدوق.
- طاطیان، سمیه. (۱۳۹۳). «بازتاب آموزه‌های اخلاقی نهج البلاغه در اشعار و مثل‌های فارسی»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره ۸، ۴۷-۶۲.
- ظفری زاده، سیامک و خاقانی، محمد. (۱۳۹۴). «روابط بینامتنی نهج البلاغه با اشعار کلاسیک فارسی»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال سوم، شماره ۱۱، ۳۵-۵۴.
- العجلونی، اسماعیل بن محمد. (۱۴۰۸ ق). کشف الخفاء و مزیل الالباس، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- عزام، محمد. (۲۰۰۱). النص الغائب، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- الكلینی الرّازی، ابوجعفر ثقة الاسلام محمدبن یعقوب. (۱۳۸۹ ق). الکافی، تحقیق: علی اکبر الغفاری، طهران: دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الثانية.
- المجلسی، محمدباقر. (بی تا). بحارالانوار، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۷). میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
- مسبوق، سید مهدی. (۱۳۹۲). «روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج البلاغه»، مجله علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دهم، شماره ۲، ۲۰۵-۲۲۴.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). پیام امام، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). درآمدی بر بینامتنیت (نظریه‌ها و کاربردها)، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- نفیسی، شادی و حسین افسردیر. (۱۳۹۷). «کارکرد تفسیری بینامتنیت نهج البلاغه با قرآن براساس نظریه ژرار ژنت»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ششم، شماره ۲۳، ۹۳-۱۱۲.